

## اقتضائات و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در حمایت از جنبش‌های آزادی بخش و نهضت‌های اسلامی (منطقه جنوب غرب آسیا)

غلامرضا خواجه سروی<sup>۱</sup>

حیدر منصوری<sup>۲\*</sup>

### چکیده

**هدف:** جمهوری اسلامی ایران با اتکا بر آموزه‌های دینی، آرمان‌های انقلاب اسلامی و هدایت رهبران خود، حمایت از جنبش‌های آزادی بخش و نهضت‌های اسلامی را، اصلی مهم در قانون اساسی و سیاست خارجی خود تعریف نموده است. با توجه به اهمیت فراوان منطقه جنوب غرب آسیا، جایگاه برجسته ایران در مناسبات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و نقش جنبش‌ها و نهضت‌ها در تحولات منطقه، بررسی سیاست‌های حمایتی اعمال شده از سوی ایران در طول این چند دهه ضروری می‌باشد و هدف ما در این پژوهش، پرداختن به این ضرورت است. لذا سؤال پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود: سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در حمایت از جنبش‌های آزادی بخش و نهضت‌های اسلامی چگونه بوده است؟

**روش‌شناسی پژوهش:** در پاسخ به سؤال پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و اسنادی بهره گرفته‌ایم. برای بررسی سیاست‌های ایران در این حوزه، ضروری بود از ترکیبی از نظریه رئالیسم تدافعی و نظریه امنیت منطقه‌ای استفاده نماییم. نوآوری تحقیق مبتنی بر رویکردی است که هم توصیف و تحلیلی بر روندهای طی شده است و هم می‌تواند ترسیم‌کننده استراتژی‌های پیش‌رو باشد.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد راهبرد کلان ایران مبتنی بر سه رویکرد اصلی: تثبیت بقا و پایداری، مقاومت جنبش‌ها، چند وجهی کردن فعالیت‌های آنها و ائتلاف سازی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است.

**نتیجه‌گیری:** سیاست‌های حمایتی ایران، هم متکی بر راهبردهای از پیش تعیین شده بوده است و هم در شرایط تحمیلی و تحولات غیرقابل پیش‌بینی، سیاست‌های اقتضائی‌اش نیز هم‌راستا با راهبردهای کلان بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** رویکرد اقتضائی، رویکرد راهبردی، جمهوری اسلامی ایران، جنبش‌های آزادی بخش، نهضت‌های اسلامی.

Email: sarvireza1968@gmail.com

Email: h.mansouri.9910@gmail.com

۱- هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

۲- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه  
طباطبائی (نویسنده مسئول).

## مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی تحول شگرفی در تغییر سیاست‌های داخلی و خارجی ایران به وجود آورد. نظام برآمده از انقلاب اسلامی، با تکیه بر اصول اساسی دین اسلام، حمایت از مسلمانان و مظلومان جهان را به عنوان یکی از اصلی‌ترین شعارهای خود مطرح نمود. تبلور عینی این شعار در گفتارهای رهبران انقلاب، قانون اساسی و اسناد بالادستی و ساختار سیاست خارجی جمهوری اسلامی به وضوح نمایان است. سیاست‌های حمایتی جمهوری اسلامی ایران از جنبش‌ها و نهضت‌های مردمی و اسلامی، که به دنبال آزادی و استقلال بودند، سبب تثبیت، تقویت و یا قدرت‌افزایی این جنبش‌ها و نهضت‌ها گردید.

از سویی دیگر منطقه غرب آسیا به جهت اهمیت فراوان در حوزه‌هایی مانند انرژی و جغرافیا، همواره مورد توجه قدرت‌ها بوده است. پیوستگی فعالیت‌های ایران و جنبش‌ها و نهضت‌های همسو با ایران در منطقه و حضور و اقدامات قدرت‌های بین‌المللی در این منطقه، سبب شکل‌گیری صف‌بندی و جبهه‌گیری‌هایی در دوستان و دشمنان (در همراهی، عدم همراهی و یا تقابل) گردید. این جبهه‌بندی‌ها و قدرت‌نمایی‌ها، تأثیر بسزایی در شرایط منطقه و بین‌الملل داشته است. بر همین اساس بررسی سیاست‌های ایران در این حوزه، از اهمیت فراوان ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است.

فعالیت گسترده قدرت‌های بین‌الملل در این منطقه، سبب شده است بخش قابل توجهی از سیاست‌های حمایتی ایران، معطوف به اقدامات این قدرت‌ها و عکس‌العملی در قبال سلطه‌گری آنان در قبال ملت‌ها و سرزمین‌های اسلامی باشد. همچنین جمهوری اسلامی ایران با توجه به سیاست‌های بنیادین و آرمان‌های خود، کمک و حمایت از مسلمانان و مظلومان آزادی‌خواه را، اصلی اساسی در سیاست خارجی خود تعریف نموده است.

ما در این پژوهش تلاش داریم سیاست‌ها و اقدامات ایران در حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و نهضت‌های اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم. و به سؤالاتی از این قبیل پاسخ دهیم: سیاست‌ها و راهبردهای ایران در حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و نهضت‌های اسلامی چگونه بوده است؟. ایران در شرایط تحمیلی و غیرقابل پیش‌بینی، چگونه با سیاست‌های مبتنی بر اقتضائات ایجاد شده، پیشبرد راهبردهای کلان را پیاده‌سازی نموده است؟. سیاست‌های اقتضائی و راهبردی ایران در حمایت از جنبش‌ها و نهضت‌ها، در چه بخش‌ها و مصادیقی موفق و یا ناموفق بوده است؟ و ... .

برای رسیدن به پاسخ این سؤالات و شناخت راهبردهای حمایتی ایران در این حوزه، ابتدا با ترکیبی از دو نظریه رئالیسم تدافعی و امنیت منطقه‌ای، سیاست‌های ایران در منطقه را بررسی می‌نماییم و سپس با تقسیم‌بندی استراتژهای اعمال شده ایران در دو بخش رویکرد اقتضائی و رویکرد راهبردی، بررسی مصادیقی و مبسوطی در این موضوع انجام خواهیم داد.

طی سالیان گذشته اغلب پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، به بررسی علل دینی و یا امنیتی حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و نهضت‌های اسلامی پرداخته است و یا به چگونگی ارتباط ایران با آنان پرداخته‌اند. این پژوهش ضمن استفاده از این پژوهش‌ها، اولاً تلاش دارد کم توجهی به این موضوع را - با

توجه به تغییرات گسترده منطقه طی یک دهه اخیر- در حد توان جبران نماید. همچنین برای شناخت بهتر از مسأله، بررسی جامعی از راهبردهای ایران در این حوزه خواهد داشت.

## مفاهیم کاربردی

### رویکرد اقتضائی

دولت و نهادهای وابسته به آن، برای دستیابی به اهداف مدنظر خود، متکی به خط مشی‌ها و سیاست‌های مشخص، و از پیش تعیین شده‌ای است، که توسط سیاست‌گذاران، طراحی و اجرا می‌شوند. شاخص‌های تعیین شده، ملاک ارزیابی و سنجش میزان موفقیت و یا عدم موفقیت دستیابی به اهداف می‌باشد. اما عدم توجه به شرایط غیرقابل پیش‌بینی، همواره یکی از علل اصلی ایجاد خلل و یا عدم توانایی در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده بود است. عدم موفقیت تئوری‌های مطلق گرایانه و صرفاً مبتنی بر خط مشی‌های مشخص، رویکردها و سیاست‌های اقتضائی را مورد توجه قرار داد. نمونه مواجه شدن با این مسئله، در دوران بازسازی ویرانی‌های گسترده به‌جای مانده از جنگ جهانی دوم بود که ضرورت سرعت بخشی به توسعه کشورهای تازه استقلال یافته، سبب شکل‌گیری نگرش‌ها و تئوری‌های نوینی در روند سیاست‌گذاری دولت‌ها گردید. در پارادایم اقتضایی استدلال اصلی این است که اقدامات متناسب با شرایط اقتضایی، چگونه منعکس کننده وضعیت موجود می‌باشد و اثربخشی لازم را دارد (دانایی‌فر و سلطانی، ۲۰۲۱: ۱۲۶).

### رویکرد راهبردی

صاحب‌نظران علوم مختلف، تعاریف گوناگونی از راهبرد، مدیریت راهبردی، برنامه‌ریزی راهبردی، رویکرد راهبردی و مفاهیمی از این قبیل انجام داده‌اند. راهبرد و یا استراتژی با پیشینه و کاربردی نظامی، طی سال‌های اخیر به‌عنوانی مفهومی کاربردی در علوم گوناگون مورد توجه قرار گرفته است (طباطبایی، ۲۰۱۱: ۱۷۱). برخی معتقدند «استراتژی یک رشته میان رشته‌ای است. برای درک ابعاد استراتژی، باید نسبت به سیاست، اقتصاد، روانشناسی، جامعه‌شناسی، جغرافیا، تکنولوژی، ساختار قدرت و تاکتیک‌ها آگاهی داشت. در عین حال استراتژی ماهیتاً پراگماتیک و عملی است» (بیلیس و دیگران، ۱۹۹۰: ۲۳). برخی دیگر راهبرد را «مجموعه‌ای از انتخاب‌ها که با توجه به محدودیت‌ها و امکانات عالم واقع به قصد نائل شدن به اهداف ترسیم شده در سطح واحد تدارک می‌شوند.» می‌دانند (علینقی، ۲۰۰۲: ۳۲۳).

در ضرورت توجه به نگاه راهبردی باید دانست «طراحی الگوهای منظم برای تبیین و توضیح مسائل می‌تواند به افکار و ایده‌ها سامان دهد و مبنایی برای تنظیم و هماهنگی رفتارها خواهد بود» (مارش و استوکر، ۲۰۰۵: ۱۳). بر همین اساس «مدیریت راهبردی عبارت است از فرایندی که از طریق آن؛ سازمان‌ها، محیط‌های داخلی و خارجی خود را شناسایی کرده و درصدد شناخت عمیق آنها بر می‌آیند. علاوه بر آن، مسیر راهبردی خود را پایه‌گذاری کرده، دست به خلق استراتژی‌هایی می‌زنند تا با بکارگیری آنها به اهداف تعیین شده‌ی سازمان برسند» (حبیب‌زاده ملکی، ۲۰۰۴: ۴۵).

### جنبش‌های آزادی بخش

این مفهوم را این‌گونه می‌توان توضیح داد: «جنبش آزادی بخش، جنبش میهن پرستانه در میان مردم یک کشور بر ضد اشغالگران بیگانه است.» نهادهای حقوقی بین‌المللی در عین حال که تروریسم را محکوم می‌کنند، جنبش‌ها آزادی بخش را متفاوت از آن می‌دانند و به جنبش‌های آزادی بخش مشروعیتی حقوقی می‌بخشد. سازمان ملل با وجاهت بخشی قانونی به جنبش‌های آزادی بخش در عرصه بین‌المللی، در بسیاری از قطعنامه‌هایش، با تأکید بر حق خود مختاری به‌عنوان یک اصل (ماده ۱ بند ۲ منشور سازمان ملل)، از فعالیت این گروه‌ها دفاع می‌کند. سازمان ملل، جنبش‌های آزادی بخش را، گروه‌هایی نامیده است که برای خود مختاری و رهایی از استعمار و اشغال بیگانه و رژیم‌های نژادپرست، در راه احقاق حق تعیین سرنوشت ملت خود می‌کوشند (ماده ۷۳ منشور سازمان ملل)» (اسماعیلی و رقوی، ۲۰۲۱: ۱۳۷-۱۳۶).

### نهیضت

این واژه در ادبیات سیاسی ما علاوه بر معنای لغوی، با توجه به پشتوانه‌های مکتبی و اعتقادی بار معنای خاصی دارد. نهیضت در لغت به معنای حرکت و جنبش می‌باشد و در تعریفی که جوزف نای برای آن بیان کرده است «آن را به حرکتی طولانی مدت و اجتماعی که ممکن است به تغییرات عمیق سیاسی منجر شود تعبیر کرده است» (نای، ۲۰۰۳). هر حرکت و جنبشی به مفهوم نهیضت نمی‌باشد. نهیضت دارای ویژگی‌هایی است که در صورت عدم وجود آنها، شکل‌گیری آن تحقق نمی‌یابد و نهیضت‌ها، متفاوت از هر حرکت اصلاحی هستند. در نهیضت انتظار وقوع دگرگونی عمیق و گسترده سیاسی و اجتماعی مدنظر می‌باشد، که در بازه زمانی اصولاً دراز مدت، رخ می‌دهند. از نمونه‌های کاملاً آشنا، نهیضت ملی شدن نفت در ایران بود که یک تغییر عمیق سیاسی منجر به شکل‌گیری تغییرات گسترده سیاسی گردید. از نمونه‌های برجسته دیگر: نهیضت اسلامی امام خمینی (ره)، نهیضت پانزده خرداد، نهیضت‌ها اسلامی و جنبش‌های آزادی بخش در منطقه و جهان می‌باشند که نشان دهنده حرکت و اقدامی جهت دار در ایجاد تغییرات عمیق سیاسی و اجتماعی بوده‌اند (گروه پژوهشی موسسه اندیشه سازان نور، ۲۰۱۳: ۲۴۹).

### کاربرد مفاهیم جنبش و نهیضت

جنبش و نهیضت مفاهیم نزدیک به یکدیگر هستند که با در بر داشتن ویژگی‌های مشترک، بار معنایی نزدیک بهم دارند. این نزدیکی معنایی، به معنای در بر داشتن تمام ویژگی‌های یکدیگر نیست. برخی صاحب نظران جنبش را در بر دارنده برخی ویژگی‌های نهیضت می‌دانند و معتقدند جنبش‌ها اغلب از سلسه مراتب برخوردار نیستند. در همین باره فریمن معتقد است از آنجایی که در جنبش‌های اجتماعی حرکتی خود جوش هستند و در چارچوب سازمانی تعریف نمی‌شوند، متغیرهای پیش آمده در شرایط و اوضاع گوناگون منشاء تصمیم‌های راهبردی قرار می‌گیرند (گروه پژوهشی موسسه اندیشه سازان نور، ۲۰۱۳: ۲۴۹).

نکته اساسی در این تحقیق، که لازم است بیان شود و مورد توجه قرار گیرد؛ کاربرد مفاهیمی مانند جنبش و نهیضت و امثالهم می‌باشد. بدین معنا که از آنجایی که یکی از منابع اصلی و محوری در بررسی

حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران از جنبش‌های آزادی بخش و نهضت‌های اسلامی، سخنان و دیدگاه‌های رهبران جمهوری اسلامی بوده است و در کاربردهای عمومی و سخنرانی‌ها، مقصود علمی و دقیق مفاهیم مدنظر نیست، به وفور در بیان دیدگاه‌ها، مکاتبات و سخنرانی‌های مختلف رهبران جمهوری اسلامی و سایر افراد صاحب نظر در این حوزه شاهد بکارگیری اصطلاحات رایج و نزدیک به یکدیگر مانند جنبش‌های آزادی بخش، نهضت‌های آزادی بخش، نهضت‌های اسلامی، نهضت‌های انقلابی، جنبش‌های ضد امپریالیستی، محور مقاومت، جبهه مقاومت و... بوده‌ایم. به عبارت دیگر ملاک مورد توجه در این تحقیق بار معنایی و مقصود اصلی بیان شده در نظرات و دیدگاه‌ها، مورد نظر می‌باشد.

### پیشینه تحقیق

حمید پاشاپور در کتاب «نهضت‌های اسلامی بازیگران جدید نظام بین الملل» (چاپ سال ۲۰۰۳) این سؤال را مطرح کرده است که نهضت‌های اسلامی بر اساس کدام دلایل عینی به عنوان بازیگران بین الملل مطرح شده‌اند؟ و تأثیرات بازیگری آنها بر حوزه‌های علمی و سیاسی در نظر و عمل، شامل چه عناصری است؟ نویسنده در نتایج این تحقیق نهضت‌های اسلامی را در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی آخر قرن بیستم دارای تأثیر مستقیم و فعال می‌داند. او فعالیت‌های این نهضت‌ها را در نظر و عمل، موفق به چالش کشیدن وضع موجود منطقه، که در سلطه غرب بود، می‌داند. همچنین نویسنده معتقد است این نهضت‌ها توانسته‌اند نظریه دولت محوری و بقای وضع موجود در نظام بین‌الملل را تضعیف قرار دهند.

جلال درخشه و علی کمالی در مقاله «بازنمایی «کنش حمایت‌گرانه» در آیین دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران» (سال انتشار: ۲۰۱۶) این پرسش را مطرح کرده‌اند که «حمایت‌گری» و «کنش حمایت‌گرانه» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی دارد؟ تأثیر این رفتارها بر پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایران اسلامی چیست؟. آنها در پاسخ به سؤال تحقیق معتقدند که رفتار حمایت‌گرانه در اسناد بالادستی نظیر قانون اساسی از جایگاه مهمی برخوردار است. و تأثیر این رفتار حمایت‌گرانه در افزایش قدرت نرم ایران، گسترش عمق استراتژیک، تقویت دیپلماسی عمومی، مقابله با تروریسم و موارد دیگر نمایان شده است.

در مقاله «مدیریت عالی نهضتی؛ مبانی و مأموریت‌ها» (سال انتشار: ۲۰۱۵) که توسط ابوالفضل صدقی تهیه شده است، سؤال این است که مبانی مدیریت عالی نهضتی چیست؟ و مدیر عالی نهضتی چه مأموریت‌های مشخصی را به عهده دارد؟. محقق در ابتدا به بررسی مفهوم نهضت بر مبنای قرآن، سنت، دانشمندان و رهبران انقلاب اسلامی پرداخته است. در گام بعد شاخص‌ها مدیریت عالی نهضتی را در اسلام و کلام آیت الله خامنه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهد. در نهایت با اعتقاد به این که سیاست‌های عالی نهضتی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی می‌باشد، شاخص‌های تمدنی آن را در سه محور تولید جنبش و نهضت، دولت‌سازی و نظام‌سازی، حفظ دولت نهضتی در محیط بین‌المللی تبیین می‌نماید.

روح الله قادری کنگاوری در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی نهضتی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ نقشه را و مسائل پیش‌رو» (سال انتشار: ۲۰۲۰) اذعان می‌کند با توجه به بستر قانونی و ساختارهای

حاکمیتی در پشتیبانی و حمایت از نهضت‌های آزادی بخش و دولت‌های حامی مقاومت، هنوز این موضوع پس از چهار دهه مورد ساخت پژوهشی و پرداخت علمی قرار نگرفته است و نقشه راه برای مسائل و مشکلات پیش رو طراحی و تدوین نشده است. ایشان هدف اصلی مقاله را بررسی و تحلیل همین موضوع می‌داند و تلاش دارد با تبیین چهارچوب مفهومی و نظری مقاومت و جایگاه آن در قانون اساسی، نسبت دیپلماسی نهضتی و سیاست خارجی را مورد واکاوی قرار دهد. محقق روش پژوهش را به لحاظ نوع توصیفی-تبیینی و به لحاظ روش شناسی روش کیفی قرار داده است. نتایج این تحقیق بدین گونه می‌باشد که دیپلماسی نهضتی در راستای نظام ارزشی و منافع ملی به دنبال تشکیل محور مقاومت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی از مسیر بومی ساز مقاومت بود است. ایشان راه دستیابی به این مهم را در یک نقشه راه پیشنهادی شش مرحله (گفتمان سازی، شبکه سازی، جریان سازی، جنبش سازی، نظام سازی، تمدن سازی) امکان پذیری می‌داند.

## چارچوب نظری

### رنالیسم تدافعی

از جمله پارادایم‌های مطرح در روابط بین‌الملل در تحلیل تحولات بین‌الملل، کلان نظریه واقع‌گرایی یا رنالیسم می‌باشد. این نظریه در مناظره‌های میان پارادایمی دچار خرده نظریه‌ها و رویکردهایی مانند: رنالیسم کلاسیک، رنالیسم ساختاری، رنالیسم نئوکلاسیک، رنالیسم تهاجمی و رنالیسم تدافعی، گردید (مشیرزاده، ۲۰۰۵: ۷۴). آنچه سبب مشخص شدن رنالیسم تدافعی شده است، وجود رنالیسم تهاجمی بوده است. در واقع رنالیسم تدافعی روی دیگر رنالیسم تهاجمی است، با این تفاوت که الزامات آنارشیسم، امنیت و افزایش قدرت دولت‌ها را نپذیرفته است.

امنیت، اصلی ترین دغدغه رنالیسم تدافعی است. در واقع نگاه این رویکرد مانند رنالیسم تهاجمی کاملاً امنیتی است و این دو رویکرد درصدد پاسخ به معمای امنیت در نظام آنارشیسم بین‌الملل می‌باشند. سؤال اصلی در این رویکرد این است که اساساً چه میزان از قدرت برای دولت‌ها لازم و یا کافی است؟ و یا دولت‌ها چه زمانی ضروری است به سمت پیشینه سازی قدرت حرکت کنند؟ بر خلاف دیدگاه رنالیسم تهاجمی، واقع گرایان تدافعی معتقدند امنیت، کالای نایاب نیست و دولت‌ها تا زمانی که در شرایط تهدید قرار ندارد رفتار تهاجمی نخواهند داشت. دولت‌ها حتی در ابتدای نیاز به افزایش قدرت و رفع تهدید، بیشتر به دنبال ایجاد موازنه و بازدارندگی هستند و در شرایط خیلی جدی به سمت تعارض می‌روند و حضور دولت در خارج از مرزها بر اساس شرایط تصور ناامنی، صورت می‌گیرد (برزگر، ۲۰۰۹: ۱۲۵).

بنابراین امنیت در رویکرد واقع‌گرایی تدافعی، یعنی برخورداری از قدرت کافی در جهت ایجاد موازنه. تا زمانی که موازنه برقرار است امنیت نیز وجود دارد. اگر وجود تهدیدی، قصد اختلال در امنیت و موازنه را داشت؛ کشورها لازم است جهت کسب امنیت، اقدام به افزایش قدرت و دستیابی به موازنه جدید نمایند.

### امنیت منطقه‌ای

نظریه امنیت منطقه‌ای، از جمله نظریه‌هایی است که در تجزیه و تحلیل تحولات بین‌المللی، سطح تحلیل منطقه‌ای را مورد بررسی قرار می‌دهد. بر خلاف مکاتبی که دولت را عامل اصلی امنیت معرفی می‌کنند و یا مکاتب جهان گرا که نظام بین‌المللی را کانون اصلی ایجاد امنیت بر می‌شمارند و از تحرکات و تحولات منطقه‌ای غفلت می‌کنند، بوزان و ویور معتقدند مسائل امنیتی کشورها درهم تنیدگی فراوانی دارند و نمی‌توان به صورت جداگانه تحلیل شود؛ باید از طریق فعالیت‌ها و پویش‌های امنیت منطقه‌ای درکی وسیع از امنیت را یافت (بوزان و ویور، ۲۰۰۹: ۵۵-۵۳).

بر اساس این نظریه، برای ایجاد امنیت، باید گروهی از دولت‌ها و یا واحدها، از نظر امنیتی تا اندازه‌ای بهم وابسته باشند، تا در قالب مجموعه‌ای متصل بهم ولی مجزا، امنیت پیرامونی را ایجاد نمایند. کشورها به تنها و صرفاً ملی، قادر به تأمین امنیت کامل خود نیستند. در سطح جهانی نیز مسائل امنیتی کلی و فاقد فهم کافی برای کشورهاست، لذا سطح منطقه‌ای سطح مناسبی است که هم از گستردگی زیاد گستره امنیتی اجتناب می‌شود، هم وابستگی متقابل امنیتی لحاظ می‌شود. بر همین اساس، هر دو مؤلفه امنیتی در سطح ملی و جهانی تأمین می‌شود (همان، ۵۴).

در این نظریه، ساختار بنیادین مجموعه امنیتی دارای چهار متغیر است: مرز، ساختار آنارشیک، قطبش و ساختار اجتماعی. در این میان مهمترین متغیر، ساخت اجتماعی یا همان الگوی دوستی\_دشمنی است. الگوی دشمنی اشاره به سوءظن و ترس در روابط میان واحدهاست و منظور از دوستی، روابط میان دولت‌ها در طیف وسیعی از موضوعات که انتظار حمایت و حفاظت را شامل می‌شود. در شکل‌گیری این دوستی و دشمنی، موضوعاتی مانند مذهب، تاریخ، تمایلات قومی، فرهنگ و جغرافیا تأثیرگذار است (نورمحمدی و فصیحی، ۲۰۱۸: ۱۵۹-۱۵۸).

### روش پژوهش

در این پژوهش از روش توصیفی و تحلیلی بهره جسته ایم. تلاش کردیم ابتدا تبیین و توصیفی از شرایط و اقدامات انجام شده در حوزه حمایت از جنبش‌ها و نهضت‌ها صورت گیرد. سپس با تکیه بر دو نظریه واقع گرایی تدافعی و نظریه امنیت منطقه‌ای و تحلیل چگونگی سیاست‌ها و اقدامات انجام شده در دو بخش رویکرد اقتضائی و رویکرد راهبردی، پیشبرد راهبردهای کلان جمهوری اسلامی ایران در حمایت از جنبش‌های آزادی بخش و نهضت‌های اسلامی را بیان نماییم.

### اهمیت و ضرورت حمایت از جنبش‌های آزادی بخش و نهضت‌های اسلامی

از منظر مبانی اسلام: اسلام حمایت از مظلوم و کمک به محرومان را از شاخصه‌های اصلی یک مسلمان حقیقی می‌داند. قرآن به عنوان منبع مورد وثوق همه مذاهب اسلامی، مسلمین را در مورد حمایت از نکردن

از مظلومان و سکوت در مقابل ظالمین مورد سؤال و عتاب قرار می‌دهد. در آیه ۲۱۳ سوره بقره این‌گونه می‌فرماید: "چرا در راه خدا جهاد نمی‌کنید، در حالی‌که جمعی زن و مرد و کودک اسیر ظلم کفار هستند و می‌گویند خدایا ما را از این شهری (مکه) که اهل آن ظالم هستند نجات ده و خارج گردان و از جانب خویش برای ما نگهدار و یآوری بفرست". در واقع خدا در این آیه با استجابت دعای مظلومان، رسالت نجات انسان‌های گرفتار در دست ظالمان را بر عهده مؤمنان می‌گذارد (مکارم شیرازی، ۱۹۹۵: ۹).

زندگی پیامبران و معصومین نیز همواره در مسیر ایستادگی در برابر ظالم و حمایت از مظلومان بوده است. پیامبر اسلام در حدیث معروف می‌فرماید: "هر کس صبح کند و به امور مسلمانان همت نرزد، از آنان نیست و هر کس فریاد کمک خواهی کسی را بشنود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست" (کلینی، ۲۰۰۸: ۱۶۴). در خطبه ۱۳۱ نهج ابلاغه امیرالمومنین (ع) هدف خود از زمامداری را این‌گونه مطرح می‌فرماید: «خداوند، تو میدانی اقدامی که از ما برای به‌دست آوردن زمامداری انجام گرفت ... برای این بود که به اصول و حقایق دین تو وارد شویم و در شهرهای تو اصلاح انجام بدهیم، تا بندگان ستم دیده در امنیت قرار گیرند و حدودی را که برای حیات مادی و معنوی بندگان مقدر فرمودی برپا داریم». از آیات قرآن، فرمایشات و سیره معصومان و بزرگان دین، می‌توان دلایل بسیار متقنی در این باب مطرح نمود.

از منظر رهبران انقلاب اسلامی: حمایت از مظلومان و ایستادگی در مقابل ظالم، از محوری‌ترین اندیشه‌ها و گفتار امام خمینی (ره) بوده است. در این باب می‌توان مصادیق متعددی وجود دارد. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌نماییم:

ایشان می‌فرمایند: «ما باید این معنا را در نظر داشته باشیم که با تمام قوا و تا آخرین نفرمان، مهیا شویم و در راه خدا جهاد کنیم. دفاع از نوامیس مسلمین و دفاع از بلاد اسلامی و دفاع از همه حیثیات مسلمین امری است لازم و ما باید خودمان را برای مقاصد الهی و دفاع از مسلمین مهیا کنیم»<sup>۱</sup>. ایشان در حمایت از جنبش‌های آزادی بخش می‌فرمایند: «من بار دیگر از تمام جنبش‌های آزادی بخش جهان پشتیبانی می‌نمایم و امیدوارم تا آنان برای تحقق جامعه آزاد خویش پیروز شوند. امید است دولت اسلامی در مواقع مقتضی به آنان کمک نماید»<sup>۲</sup> در جای دیگر این‌گونه بیان می‌دارند: «ملت آزاده ایران هم اکنون از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آنان که منطبقشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است کاملاً پشتیبانی می‌نماید. ما از تمام نهضت‌های آزادی بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم»<sup>۳</sup>.

با آغاز رهبری آیت الله خامنه‌ای، راهبردهای حمایت از این جنبش‌ها و نهضت‌ها دچار دگرگونی نشد و به‌عنوان سیاستی مهم، که با تغییر دولت‌ها و سیاست خارجه تغییری در آن ایجاد نخواهد شد، لحاظ شد.

۱. سخنرانی در جمع اعضای شورای مرکزی حزب الله، نهم اسفند ۱۳۶۶

۲. پیام امام خمینی به مردم ایران در دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۲۲ بهمن ۱۳۵۹

۳. پیام امام خمینی به مسلمانان ایران و جهان به مناسبت میلاد پیامبر اسلام، ۱۵ بهمن ۱۳۵۸

در این باره بیانات و تأکیدات فراوانی از ایشان وجود دارد. ایشان در مباحث مربوط به مذاکرات هسته ای، این گونه اشاره دارند: «چه این متن تصویب بشود و چه نشود، ما از حمایت دوستانمان در منطقه دست نخواهیم کشید: از ملت مظلوم فلسطین، از ملت مظلوم یمن، از ملت و دولت سوریه، از ملت و دولت عراق، از مردم مظلوم بحرین، از مجاهدان صادق مقاومت در لبنان و فلسطین؛ همواره مورد حمایت ما خواهند بود<sup>۱</sup>». ایشان در کنفرانس بین‌المللی حمایت از فلسطین می‌فرمایند: «آنها [دشمنان] بدانند به رغم تبلیغاتشان، ملت عظیم الشان ایران و مسئولان و رؤسای کشور، همگی منسجم هستند. ... حمایت از فلسطین، انتفاضه و مبارزه با صهیونیسم و حامیان از ارکان اصلی سیاست‌های راهبردی ج.ا.ایران است<sup>۲</sup>».

از منظر قانون اساسی و اسناد بالادستی: قانون اساسی هر کشور مهمترین منبع برای شناخت اهداف و وظایف سیاست خارجی آن کشور می‌باشد. حمایت از مسلمانان، مظلومان و مستضعفان، نهضت‌ها و جنبش‌های آزادی بخش از اصول اساسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در ذیل به برخی از این اصول اشاره مختصری می‌نماییم:

اصل سوم: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه امکانات خود را برای رسیدن به امور ذیل به کار برد: تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان اصل یازدهم: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش کند تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. اصل چهاردهم: دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفاند به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام صورت ندهند. اصل صد و پنجاه و چهارم: جمهوری اسلامی ایران ... در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. این سیاست‌ها در سایر اسناد بالادستی مانند سند چشم انداز بیست ساله به انجای گوناگون مطرح شده است (قادری کنگاوری، ۲۰۲۰: ۳۳-۳۴).

### بررسی سیاست مواجهه با جنبش‌های آزادی بخش و نهضت‌های اسلامی

وقوع انقلاب اسلامی، حمایت از مظلومان و ایستادگی در برابر ظالم را، تبدیل به اصلی خدشته ناپذیر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نمود. پیام آزادی خواهی، حکومت مردمی، مبارزه با حکومت مستبد، مقابله با نظام سلطه جهانی و... در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، موجی از بیداری در میان مسلمانان جهان، به‌ویژه در کشورهای عراق، لبنان، سوریه، لیبی، افغانستان، پاکستان، عربستان، بحرین و سایر

۱. خطبه‌های نماز عید فطر، ۲۷ مرداد ۱۳۹۴

۲. بیانات در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۲ تیر ۱۳۸۰

کشورهای منطقه و فرامنطقه به راه انداخت. شکل‌گیری و تقویت گروه‌های اسلامی و جنبش‌های آزادی بخش در سایه حمایت‌های لازم، از پیامدهای فراگیری این موج بود (صفرنژاد، ۲۰۲۰: ۴).

همچنین، افزایش اسلام‌گرایی، انتفاضه فلسطین، مقابله با رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان، مقابله نظامی با آمریکا و... در پیوند با واقعیت‌های مهم منطقه غرب آسیا، مانند ژئوپلیتیک منطقه، اهمیت نفت، انرژی و تأثیرگذاری آن بر روابط کشورهای منطقه و قدرت‌های جهانی، سبب شکل‌گیری تعاریف جدید از منافع ملی و ساختار سیاسی- نظامی در منطقه، و روابط کشورها گردید (معراجی و دهشیری، ۲۰۲۰: ۱۱۰).

شرایط جدید منطقه، تقسیم‌بندی‌هایی در دوستان و دشمنان، اتحادها و اختلاف‌ها در منطقه و جهان شکل داد. این تغییرات به قدری مهم بود که غرب آسیا و مسائل آن را به حساس‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل بین‌المللی مبدل ساخت. کشورهای مهم منطقه به کمک قدرت‌های جهانی و با حمایت از گروه‌های نزدیک به خود، سیاست‌های منطقه‌ای خود را پیگیری می‌کردند. ایران نیز با ارتباط‌گیری و پشتیبانی از جنبش‌ها و نهضت‌های همسو سیاست‌های منطقه و جهانی خود را راهبری کرده است. در این راستا ایران که با وقوع انقلاب اسلامی به نوعی دچار تنهایی و عدم همگرایی دولت‌های منطقه‌ای شده بود و در حمله عراق به ایران، شاهد ضدیت و تخاصم برخی دولت‌های منطقه بود؛ توانایی خود را در جهت بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه بازیگران غیر دولتی، اشتراکات مذهبی و وجود دشمن مشترک معطوف نمود (همان).

### نظریه رئالیسم تدافعی و سیاست‌های حمایتی ایران

سیاست ایران در غرب آسیا، به‌ویژه در حمایت از بازیگران غیردولتی، جنبش‌ها و نهضت‌ها، یکی از پیچیده‌ترین و بحث‌برانگیزترین مسائل در مطالعات روابط بین‌الملل است. این سیاست منجر به شکل‌گیری ائتلاف‌هایی گردید که پیامدهای عمیقی بر پویایی‌های قدرت منطقه‌ای و امنیت بین‌المللی داشته است. تحلیل این سیاست نیازمند فراتر رفتن از تفسیرهای ساده‌انگارانه است. در حالی که برخی تحلیل‌گران این سیاست را به‌عنوان تلاشی تهاجمی برای صدور انقلاب و دستیابی به سلطه منطقه‌ای می‌بینند، برخی دیگر آن را واکنشی دفاعی و منطقی به تهدیدات موجود علیه بقای نظام می‌دانند.

رئالیسم تدافعی استدلال می‌کند که دولت‌ها برای تضمین بقای خود در یک نظام بین‌الملل آنارشیک، به دنبال موازنه و بازدارندگی هستند. از این دیدگاه، سیاست ایران در حمایت از نیروهای همگرا در منطقه، یک پاسخ منطقی و تدافعی به تهدیدات موجود از سوی قدرت‌های بزرگ و رقبا منطقه‌ای است. این حمایت به ایران امکان می‌دهد تا با ایجاد «عمق استراتژیک» و با هزینه‌ای کمتر، تهدیدات را در خارج از مرزهای خود مدیریت کرده و از درگیری مستقیم با قدرت‌های برتر اجتناب کند (منصوری، ۲۰۲۵: ۳۵).

### نظریه امنیت منطقه‌ای و سیاست‌های حمایتی ایران

نظریه امنیتی ایران در غرب آسیا بر مبنای این اصل است که امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه و بدون دخالت نیروهای فرامنطقه‌ای تأمین شود. این نظریه در تقابل با رویکرد سنتی برخی کشورهای منطقه

است که امنیت خود را وابسته به حضور قدرت‌های خارجی می‌دانند. این نظریه، ستون فقرات نگاه ایران به امنیت منطقه‌ای است. از دیدگاه ایران، حضور نظامی و سیاسی قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و متحدانش در منطقه، خود عامل اصلی بی‌ثباتی و تنش است. این نظریه به جای ائتلاف با قدرت‌های خارجی، بر همکاری درون منطقه‌ای و گفت‌وگوی جمعی تأکید دارد (منصوری، ۲۰۲۵: ۳۹).

نظریه امنیت منطقه‌ای بر الگوهای دوستی و دشمنی درون یک «مجموعه امنیتی» تأکید دارد. از این منظر، ایران با حمایت از جنبش‌های همسو، به دنبال ایجاد یک مجموعه امنیتی و ائتلاف است که بر اساس هویت‌های مشترک و دشمنی‌های متقابل شکل گرفته است. این رویکرد تنها یک پاسخ واکنشی نیست، بلکه تلاشی فعالانه برای تغییر ساختار امنیتی منطقه به نفع خود و متحدانش و به چالش کشیدن نظم موجود است. بر اساس این نظریه ایران معتقد است که اولاً باید یک امنیت جمعی شکل بگیرد که بر اساس منافع مشترک و احترام به حق حاکمیت همه کشورها باشد. ثانیاً قدرت‌های جهانی با فروش تسلیحات، ایجاد پایگاه‌های نظامی و حمایت از برخی رژیم‌ها، به رقابت‌های منطقه‌ای دامن می‌زنند، در صورتی که نظریه امنیت درون‌زا و منطقه‌ای تلاش می‌کند این وابستگی از بین برود. ثالثاً ایران بر نقش اشتراکات تاریخی، فرهنگی و دینی در منطقه تأکید می‌کند و آن را بستر همکاری‌های امنیتی و اقتصادی می‌داند.

این دو بخش، یعنی نظریه امنیت درون‌زا و سیاست‌های حمایتی، راهبرد اساسی ایران در منطقه غرب آسیا را تشکیل می‌دهند. در حالی که این رویکرد، از سوی برخی کشورهای منطقه و قدرت‌های خارجی به عنوان عامل بی‌ثباتی و دخالت تلقی می‌شود، اما ایران و متحدانش آن را تنها راه برای رسیدن به امنیت پایدار و مستقل در منطقه می‌دانند. سیاست‌های حمایتی ایران، که اغلب به عنوان سیاست‌های دفاعی پیش‌دستانه شناخته می‌شوند، در جهت تقویت نظریه امنیت درون‌زا و ایجاد عمق راهبردی در برابر تهدیدات طراحی شده‌اند. ایران از طریق حمایت از جنبش‌های آزادی بخش و نهضت‌های اسلامی سعی در ایجاد یک سپر دفاعی غیرمستقیم در اطراف مرزهای خود دارد. این ائتلاف با محوریت ایران، اهداف مشترکی را در منطقه دنبال می‌کند. از جمله: مهار اسرائیل، مقابله با تروریسم تکفیری، کاهش نفوذ آمریکا.

### بررسی رویکردهای حمایتی

رویکرد حمایت‌گرانه جمهوری اسلامی ایران از جنبش‌ها و نهضت‌های اسلامی و آزادی بخش، علاوه بر تکیه بر راهبردهای از پیش تعیین شده، بر اساس شرایط و اقتضائات پیش آمده و تحمیلی نیز، پیاده سازی و اجرا شده است. عملکرد قدرت‌های بین‌المللی در جهت بحران آفرینی در منطقه، تلاش برای حذف و یا تضعیف نهضت‌های اسلامی و جنبش‌های آزادی بخش و ضدیت با سیاست‌های منطقه‌ای ایران، ضرورت داشتن رویکرد راهبرد و رویکرد اقتضائی مبتنی بر راهبرد را، به عنوان اصل اساسی در سیاست خارجه ایران قرار داده است. بر همین اساس در این پژوهش نیز ما سیاست‌ها و اقدامات جمهوری اسلامی ایران در حمایت از جنبش‌های آزادی بخش و نهضت‌های اسلامی را، مبتنی بر، در دو رویکرد اقتضائی و رویکرد راهبردی مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### رویکرد اقتضائی در سیاست‌های حمایتی

در بررسی تحولات چند دهه اخیر به وفور مشاهده شده است آمریکا و غرب تمام تلاش خود را برای حفظ تسلط و منافع خود بر منطقه غرب آسیا انجام داده اند. در واقع، آمریکا با وقوع انقلاب اسلامی در ایران خلل اساسی و جدی در بهره‌مندی از منافع خود در این منطقه پیدا کرد. از این رو با اتخاذ سیاست‌های گوناگون، تلاش نمود علاوه بر جلوگیری از دست رفتن سایر منافع منطقه‌ای خود، ضربه اساسی و نابود کننده به جمهوری اسلامی ایران و هر آنچه مرتبط با آن هست وارد نماید. از تحریک و پشتیبانی از صدام برای حمله به ایران تا اعمال تحریم علیه ایران، از حمایت از کشورهای منطقه‌ای متضاد با سیاست‌های جمهوری اسلامی تا حمایت از هر گروهی که هر اقدامی علیه سیاست‌های جمهوری اسلامی داشته باشد.

جمهوری اسلامی به دلیل ماهیت ضد سلطه، بایستی در مقابل این تهدیدات و صدمات، بقاء خود را حفظ می‌کرد، و در مقابل تلاش این قدرت‌ها در دیکته کردن سیاست‌های منطقه‌ای ایستادگی می‌کرد. این قدرت طلبی‌ها و تلاش‌های غرب به سرکردگی آمریکا و اسرائیل در منطقه، ایران را در مقام واکنش قرار می‌داد. ایران می‌بایست برای حفظ منافع ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خود در شرایط تحمیل شده تدابیری اتخاذ می‌کرد. این تدابیر در حالی که بر اساس شرایط و اقتضائات می‌بود، بایستی متکی بر راهبردی کلی و دیدگاهی کلان نگر باشد (منصوری، ۲۰۲۵: ۵۱).

اقتضائات حمایتی ایران، از مجموعه‌ای از عوامل ایدئولوژیک، امنیتی و استراتژیک ناشی می‌شود. این سیاست، بدلیل ماهیت پیچیده، همزمان متأثر از انگیزه‌های داخلی و محاسبات منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد. لذا می‌توان این گونه تقسیم نمود: اقتضائات ایدئولوژیک و هویتی شامل: پشتیبانی از هویت انقلابی، تلاش برای نفوذ گفتمانی. اقتضائات امنیتی و استراتژیک شامل: بازدارندگی و امنیت ملی، افزایش نفوذ منطقه‌ای، کاهش هزینه درگیری مستقیم، ابزار چانه‌زنی در دیپلماسی.

در باب بررسی مصادیق رویکردهای اقتضائی ایران موارد متعددی وجود دارد. در این تحقیق بر حسب ضرورت و محدودیت، به موارد برجسته و تأثیرگذار در مناسبات منطقه و فرامنطقه یعنی حمله اسرائیل به لبنان و تشکیل حزب الله، حمله آمریکا به عراق، ظهور داعش و تشکیل حشد الشعبی اشاره می‌شود.

### حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲ و تشکیل حزب الله لبنان

در بیان زمینه‌های شکل‌گیری حزب‌الله و نقش ایران، ضروری است ابتدا به متغیرهای تاریخی، هویتی و محیطی این گروه در لبنان و سپس نقش ایران اشاره شود. اشتراکات مذهبی بین شیعیان ایران و لبنان، زمینه ارتباطات را در دوره صفویه فراهم نمود. این ارتباط بیش از چهار قرن با حضور علمای ایرانی و لبنانی در هر دو سرزمین برقرار بوده است. شیعیان با وجود جایگاه سوم جمعیتی در لبنان بعد از مارونی‌ها و اهل سنت، نقشی در صحنه سیاسی و اجتماعی نداشتند و در محرومیت اقتصادی، فرهنگی و حاشیه نشینی قرار داشتند. با فعالیت‌های امام موسی صدر در رفع محرومیت‌ها و گردهم آوردن جوانان ذیل ساختار واحد «حرکت المحرومین» و سپس «أمل» (أفواج المقاومة اللبنانية)، شیعیان دارای تشکیلات سیاسی و نظامی

مستقلی گردیدند. بروز اختلافات در جنبش امل، و جدا شدن روحانیونی که به دنبال مبارزه با صهیونیست‌ها بودند، سبب نزدیکی بیشتر شیعیان لبنانی به انقلاب اسلامی گردید (باقری و همکاران، ۲۰۲۳: ۹-۱۱). رژیم صهیونیستی که پس از پیروزی‌های خود در جنگ با اعراب، قدرت خود را به آنها دیکته کرده بودند، با سوء استفاده از بحران داخلی لبنان در سال ۱۹۸۲ با هدف نابودی سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) و ایجاد دولت مورد اعتماد خود در راستای صلح با اسرائیل، و کاستن قدرت سیاسی و نظامی سوریه در لبنان، به لبنان حمله نمود و سه روزه بیروت را محاصره کردند. در شرایطی که ساف و امل جرأت انجام اقدامی علیه صهیونیست‌ها نداشتند، هسته‌های مقاومت شیعیان لبنان در مقابل اسرائیلی‌ها ایستادگی نمودند و جایگاه برجسته‌ای میان مردم لبنان یافتند (حجازی، ۲۰۰۶: ۷۶-۷۴).

همزمان با تحولات لبنان، عناصری از حزب الله مانند سید محمد حسین فضل الله، شیخ راغب حرب، شیخ صبحی طفیلی در ایران حضور یافتند و خواستار کمک به لبنان بودند. ایران پس از بررسی‌ها، یک گروه نظامی به فرماندهی احمد متوسلیان را به سوریه اعزام نمود. پس از اندکی از حضور نیروهای سپاه پاسداران به لبنان، امام خمینی دستور بازگشت صادر کردند و حضور سپاه در لبنان در قالب نیروهای مستشاری و آموزشی محدود گردید (رایت، ۱۹۹۳: ۶۴-۶۳). دامنه حضور و تأثیر نیروهای سپاه محدود در مناطق جنوبی و شیعه نشین لبنان و محصور در آموزش نظامی نماند. دیدگاه‌های انقلاب اسلامی در سایر مناطق لبنان نیز گسترش یافت (اسداللهی، ۲۰۰۰: ۶۹-۶۵). اعتقاد به ولایت فقیه و پیروی از رهبری انقلاب اسلامی، و مبارزه با رژیم صهیونیستی، بنای اصلی اشتراک دیدگاه مبارزان لبنانی با انقلاب اسلامی بود. حضور نیروهای سپاه در لبنان، همان موقعیت و فرصت مهمی بود که در شرایط تحمیل حمله اسرائیل به لبنان فراهم شد. ماگنئوس رانستورپ - استاد دانشگاه دفاعی سوئد و کارشناس برجسته جنبش‌های اسلامی - درباره نقش ایران در تشکیل حزب الله معتقد است؛ حزب الله در سه مرحله ایجاد و گسترش یافته است: مرحله نخست ورود نیروهای سپاه ایران به لبنان بعد از حمله اسرائیل به این کشور و انجام آموزش‌های نظامی به افراد جدا شده از جنبش امل، که خواهان ایستادگی برابر اسرائیل بودند. ایجاد تشکیلات و انجام آموزش‌های نظامی و عقیدتی در این برهه انجام شد. پی‌ریزی ایجاد حزب الله و حتی تلاش برای ایجاد جامعه اسلامی شیعی با الگوگیری از ایران، توسط روحانیون شیعه لبنان در این مرحله بوده است. مرحله دوم، عضوگیری حزب الله از میان شیعیان بیروت، با کمک روحانیون برجسته حزب الدعوة؛ مانند سید حسن نصرالله و علامه فضل الله. مرحله سوم، مرحله گسترش و قدرت گیری، و ایجاد موقعیت برجسته در جنوب لبنان که عوامل متعددی در ایجاد آن نقش داشتند (حجاز، ۲۰۱۱: ۲۲۳-۲۲۰).

#### حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، ظهور داعش و تشکیل حشد الشعبی

موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکیف عراق را به عنوان یکی از کشورهای مهم منطقه غرب آسیا مطرح نموده است. کشوری که همواره مورد توجه و فعالیت قدرت‌های جهانی بوده است. آمریکا پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرصت را برای پیاده سازی طرح‌های مختلف خود به‌ویژه در منطقه غرب آسیا به دست

آورد. آمریکا در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ به صورت یک جانبه، و با وجود مخالفت‌های مجامع بین‌المللی و سایر قدرت‌های جهانی به عراق حمله‌ور شد. این حمله با ادعایی دلایلی همچون: مبارزه با تسلیحات کشتار جمعی عراق، مبارزه با تروریسم، پیشبرد طرح خاورمیانه بزرگ، تضمین امنیت اسرائیل، دموکراسی سازی، مبارزه با کشورهای مخالف با آمریکا نظیر ایران، خطر صدام برای برخی کشورهای عربی مانند کویت و تحمیل هژمونی آمریکا بر منطقه غرب آسیا صورت گرفت (رستمی و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۵۴-۲۵۳).

اگرچه با سقوط صدام و تلاش آمریکا برای پیاده سازی دموکراسی ادعایی‌اش، فرصت برای فعالیت احزاب و گروه‌های عراقی فراهم شد، اما به دلایلی مانند: جامعه چندپاره عراق، پیچیدگی مسائل داخلی عراق، تنش‌های قومی و مذهبی و عدم شناخت آمریکا از این مسائل، اختلاف و نبود وحدت میان بازیگران فعال در این کشور، سبب عدم موفقیت آمریکا در عراق گردید. در کنار همه این عوامل نقش ایران در این باره را نباید نادیده گرفت. زیرا تداوم حضور و نفوذ آمریکایی‌ها در عراق، و ساختارهای سیاسی و نظامی این کشور می‌توانست علاوه بر تسلط بر عراق، بر مناسبات سیاسی، نظامی و امنیتی، و حتی فرهنگی و اجتماعی پیرامونی عراق، مانند ایران و منطقه تأثیر فراوان داشته باشد. ایران تلاش کرد با همراهی گروه‌ها و شخصیت‌های برجسته همسو با خود - به‌ویژه آیت الله سیستانی - ساختار سیاسی و دولت برآمده از انتخابات در عراق، نزدیک به دیدگاه‌های خود و در تضاد با منافع آمریکا باشد (اسدی، ۲۰۱۴: ۱۳۹-۱۳۸).

کشور عراق با توجه به موقعیت جغرافیایی، انرژی، فرهنگی و امنیتی، هم می‌توانست مانعی و سدی در مقابل سیاست‌های منطقه‌ای ایران باشد، و یا بالعکس، مسیر و پلی برای دستیابی به برنامه‌ها، و نقش آفرینی ایران در منطقه باشد. حمله آمریکا و سقوط صدام و عدم توانایی آمریکایی‌ها در عراق، شرایط مناسب را برای ایران فراهم نمود تا بتواند با برنامه‌ریزی هوشمندانه و تدابیر راهبردی، این بحران و تهدید تحمیل شده را به فرصت تبدیل کند (رستمی و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۶۰). از طرف دیگر روی کار آمدن دولت شیعه در عراق سبب دوری برخی کشورهای سنی مذهب منطقه شد و این امر به نوبه خود سبب افزایش نفوذ و اهمیت ایران در عراق گردید (نوزانی و عبادی، ۲۰۱۷: ۱۱۳).

یکی از نتایج حمله آمریکا به عراق، بی‌ثباتی امنیتی و تشدید فعالیت گروه‌های تکفیری در این کشور بود. گروه‌هایی که از خلأ دولت قدرتمند در عراق بهره بردند و برای دولت شیعی تازه مستقر در عراق و گروه‌ها و کشورهای همسو با آن، به خصوص ایران، مخاطرات امنیتی جدی ایجاد کردند. فعالیت تکفیری‌ها با ظهور داعش در سوریه و سپس عراق به اوج خود رسید. داعش از شمال عراق وارد این کشور شد و به سرعت شهرها را به تسلط خود درآورد و هر لحظه امکان حمله و سقوط بغداد قابل تصور بود. به دنبال این اتفاقات، آیت‌الله سیستانی طی فتوایی، جهاد را بر همه کسانی که تواناتی حمل سلاح و مبارزه در برابر داعش داشتند را جهاد کفایی و ضروری اعلام نمودند. به دنبال این فتوا صدها هزار نفر از مردم داوطلب پیوستن به نیروهای امنیتی شدند. کمیته‌هایی برای ساماندهی داوطلبان شکل گرفت که به «حشد الشعبی» به معنی «بسیج مردمی» معروف شدند (موسوی و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۴۶).

به دنبال حمله داعش به عراق، ایران به کمک عراق شتافت. البته سابقه ارتباط و حمایت ایران از گروه‌ها و جنبش‌های مبارز در عراق مانند حزب الدعوة اسلامی، جامعه العلماء، مجلس اعلای شیعیان، سازمان بدر، جریان‌های مرتبط با آیت الله صدر و آیت الله حکیم، کردهای مبارز و... چند دهه قدمت داشت. اما اینک ظهور و قدرت نمایی داعش شرایط بسیار متفاوت بود. ایران برای جلوگیری از تعدی به اماکن مقدس در عراق و ممانعت از تسلط داعش بر شهرهای هم مرز و سقوط بغداد به سرعت وارد عمل شد. نیروهای سپاه با تجهیز و آموزش نیروها و فرماندهی اوضاع مشتت، شرایط را برای متوقف کردن داعش در عراق فراهم نمودند. گروه‌های مقاومت توانستند شهرهای تصرف شده توسط داعش را پس بگیرند. حشد الشعبی به لحاظ هویتی و ایدئولوژیک بسیار نزدیک به ایران می‌باشد و به نوعی بازوی قدرتمند ایران در عراق می‌باشد.

### رویکرد راهبردی در سیاست‌های حمایتی

توجه و اهتمام نسبت به شرایط مسلمانان و مستضعفان، از آرمان‌ها و اهداف همیشگی جمهوری اسلامی ایران بوده است. رفتارهای حمایت‌گرانه ایران با دریافت از آموزه‌های دینی و راهبری رهبران انقلاب اسلامی، به خوبی در ساختار قانون اساسی و دستگاه‌های مجری قانون اساسی نهادینه شده است. انجام اقدامات مناسب در راستای دستیابی به این اهداف نیازمند داشتن راهبرد، و برنامه‌های کاربردی و جامع می‌باشد. داشتن راهبرد در تدوین نقشه راه و پیاده‌سازی سیاست‌ها، علاوه بر ایجاد پیوستگی در زنجیره حلقات اقدامات، سنجش میزان موفقیت و یا عدم موفقیت در دستیابی به اهداف و اصلاح مسیر حرکت در راهبردها را در پی دارد (منصوری، ۲۰۲۵: ۶۳).

راهبردهای ایران در حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و نهضت‌های اسلامی، مجموعه‌ای از اقدامات نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است که برای پیشبرد اهداف امنیت ملی و ایدئولوژیکی در منطقه جنوب غرب آسیا طراحی گردید. برخی از مهمترین راهبردها به اختصار بدین شرح می‌باشد:

راهبردهای نظامی و امنیتی: ۱- آموزش و تسلیح (ایران به طور مستقیم یا غیرمستقیم، آموزش‌های نظامی و تسلیحات پیشرفته را در اختیار این جنبش‌ها قرار می‌دهد). ۲- مشاوره و پشتیبانی لجستیک (اعزام مستشاران نظامی و پشتیبانی لجستیک شامل انتقال تجهیزات، اطلاعات و فناوری‌های نظامی). ۳- ایجاد عمق استراتژیک (حمایت از گروه‌هایی در مرزهای دشمنان خود، و جلوگیری از جنگ در مرزهای خود).

راهبردهای سیاسی و اقتصادی: ۱- پشتیبانی دیپلماتیک (حمایت در مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای). ۲- حمایت مالی (در جهت حفظ ساختار نظامی، تأمین نیازهای اعضا و ارائه خدمات اجتماعی به مردم محلی). ۳- ایجاد شبکه‌های منطقه‌ای (ایجاد شبکه منسجم جهت هماهنگی سریع و مؤثر در بحران‌ها).

راهبردهای فرهنگی و ایدئولوژیک: ۱- ترویج گفتمان مقاومت (از طریق رسانه‌ها، نهادهای فرهنگی و مراکز آموزشی، در جهت مشروعیت ایدئولوژیک و جلب حمایت مردمی). ۲- تقویت هویت‌های مشترک (با تأکید بر هویت‌های مذهبی (به ویژه شیعه) و سیاسی مشترک (مبارزه با صهیونیسم و آمریکا)).

### راهبردهای کلان سه گانه

با بررسی اقدامات و سیاست‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی، امنیتی و... انجام شده توسط جمهوری اسلامی ایران در حمایت از جنبش‌های آزادی بخش و نهضت‌های اسلامی، به نظر می‌رسد راهبرد جمهوری اسلامی ایران در این حوزه مبتنی بر سه راهبرد کلان قابل تفکیک باشد:

یک- تثبیت و پایداری سازی جنبش‌های آزادی بخش در فعالیتهایشان.

دو- تلاش برای چند وجهی کردن فعالیت جنبش‌ها به حوزه‌های سیاسی، نظامی و... مبتنی بر شرایط.

سه- ائتلاف سازی منطقه‌ای و بین‌المللی.

### یک- پایداری سازی جنبش‌ها در فعالیت

مراد از پایداری سازی، همان تثبیت موقعیت و حفظ شرایط موجود در جهت جلوگیری از تضعیف و نابودی کامل می‌باشد. یکی از وجوه اساسی در حرکت به سمت هدف‌ها، ابتدا درک شرایط موجود و حفظ بقاء می‌باشد. تلاش برای پایداری سازی و تثبیت وضعیت موجود، مسیر حرکت را برای برطرف کردن نقاط منفی هموار می‌کند و عدم توجه کافی به این مسئله، نه تنها روند حرکت برای کسب وضعیت بهتر را مختل و یا مقطعی می‌کند، بلکه ظرفیت‌های موجود را در معرض نابودی قرار می‌دهد. همین روند در سیاست‌گذاری حاکمیت‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جنبش‌های آزادی بخش و نهضت‌های اسلامی، ابتدا تلاش نمود وضعیت موجود این جنبش‌ها را تثبیت و پایدار نماید؛ به نحوی که در مقابل تهدید به نابودی، قدرت بقاء و دوام پس از شکل‌گیری اولیه را داشته باشند.

صاحب نظران در خصوص منشاء شکل‌گیری این جنبش‌ها و نهضت‌ها در منطقه غرب آسیا نظرات مختلفی دارند؛ برخی معتقدند خلأ ایجاد شده در قدرت در منطقه، پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، زمینه شکل‌گیری و گسترش حرکت‌های اسلامی و جنبش‌های آزادی بخش می‌باشد. برخی دیگر، مواضع و تضاد کشورهای عربی و حاشیه خلیج فارس در قبال انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران را، سبب اقدام متقابل ایران در پی‌ریزی سیاستی در تشکیل و حمایت از این جنبش‌ها و نهضت‌ها در جهت مقابله با این کشورها می‌داند. اما رویکرد سوم معتقد است ایران با تکیه بر آموزه‌های دینی، اهداف و آرمانی‌های انقلاب اسلامی، راهبردها و سیاست‌های حمایت‌گراانه خود در تشکیل، تثبیت و تدوام حرکت‌ها و جنبش‌های آزادی بخش و اسلامی را دنبال می‌نماید. واقعیت‌های جاری تأکیدی بر رویکرد سوم است که ایران توانسته است قلمرویی ایدئولوژیک در سطح منطقه ایجاد کند (منصوری، ۲۰۲۵: ۷۷).

راهبردهای در نظر گرفته شده بر اساس اقتضائات و شرایط جنبش‌ها از جمله: موقعیت جنبش‌ها در میان مردم و نخبگان آن کشور، گرایش‌ات مذهبی جنبش‌ها، رویکرد دولت آن کشور نسبت به جنبش‌ها، اهداف جنبش‌ها، میزان توانمندی جنبش‌ها در همراه کردن مردم و... پی‌ریزی و اجرا شده است. اما آنچه که در میان علل و عوامل تشکیل و تثبیت و پایداری حرکت‌ها و جنبش‌های آزادی بخش به عنوان عامل اساسی قابل مشاهده است نظام معنایی و مفاهیمی است، که نقطه عزیمت و متحرک آن در اندیشه‌های

انقلاب اسلامی و گفتمان دینی است. راهبردهایی که در قالب مفاهیمی مانند: تقابل با سلطه‌گری و تقویت اندیشه ظلم ستیزی، بیداری و خودباوری اسلامی، استقلال طلبی، احیای تمدن اسلامی و... در بدنه اجتماعی ملت‌های مسلمان و حرکت‌های آزادی بخش بایستی نهادینه می‌شد (غفاری هشبجین، ۲۰۲۱: ۲۴).

همان‌طور که مطرح شد راهبرد اولیه بایستی «حفظ موجودیت و گسترش توانایی و سپس نابودی دشمن» باشد. حفظ این اصل مهم همراه با توسعه کمی و کیفی، ترمیم نقایص، تقویت رهبری و مراکز اصلی سیاسی تصمیم‌گیر جنبش‌ها و نهضت‌ها می‌تواند بالندگی و رشد در مسیر مبارزه را در پی داشته باشد (سلیمانی و اسماعیل‌زاده، ۲۰۲۰: ۱۱۹).

رفتار حمایتی ایران در پایدار سازی نهضت‌ها و جنبش‌ها منطبق بر فلسفه وجودی و اهداف جنبش‌ها پیگیری شده است. همان‌گونه که از تعریف جنبش‌ها و نهضت‌های رهایی بخش فهم می‌شود، آنها همه تلاش خود را در راه رهایی از سلطه و اشغال و کسب آزادی مشروع انجام می‌دهند. قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل هم در همین راستا فعالیت‌های جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی بخش را مشروع می‌داند و حتی توسل به زور و درگیری مسلحانه را در مبارزه و کسب تعیین حق سرنوشت ملل خود به رسمیت می‌شناسد. قوانین بین‌المللی نه تنها اقدامات آزادی بخش جنبش‌های آزادی بخش را مشروع می‌داند بلکه مانع کمک سایر دولت‌ها برای حمایت از این جنبش‌ها در راه دستیابی به اهداف مشروع آنها نیز نمی‌شود (گندمکار، ۲۰۱۶: ۸۵-۸۴). آنچه موجب تأسف می‌باشد این است که قوانین بین‌المللی همواره به واسطه اهداف قدرت‌های جهانی نادیده گرفته می‌شود و بر اساس اهداف آنها بر علیه نهضت‌ها و جنبش‌ها و حامیان آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

## دو- چند وجهی کردن فعالیت‌های جنبش‌ها و نهضت‌ها

جنبش‌ها و نهضت‌های آزادی بخش برای پیشبرد اهداف خود پس از حفظ قوام و حرکت اولیه، بایستی علاوه بر وجه ابتدایی شکل‌گیری خود که غالباً متکی به اهداف سیاسی است، به سایر زمینه‌ها و وجوه رشد و بالندگی، در پیش برد توانمندی خود، توجه نمایند. توجه به وجوه نظامی، فرهنگی، اجتماعی، اعتقادی و... می‌تواند سرعت بخش حرکت این جنبش‌ها باشد (سلیمانی و اسماعیل‌زاده، ۲۰۲۰: ۱۱۹). آنچه مسلم است جنبش‌ها برای دستیابی به این تنوع در حرکت‌ها و اقدامات خود در مسیر مبارزه، نیازمند کمک از سمت حمایت گرانی است که ضمن اشتراک در اهداف و آرمان‌ها، توانایی پشتیبانی و راهبری سایر وجوه در عملکرد جنبش‌ها را دارا باشد. البته این حمایت نباید منجر به وابستگی کامل گردد؛ بلکه در راستای پیگیری در رفع نیازمندی‌ها و تأمین امکانات می‌باشد (سبحانی‌فر، ۲۰۱۰: ۲۴۰).

جمهوری اسلامی ایران با درک صحیح این مسأله تلاش نموده است بر اساس شرایط هر یک از این جنبش‌ها و نهضت‌ها، اقدامات لازم را در جهت تنوع دادن در فعالیت‌های آنها پیگیری نماید. در اینجا به این سطوح حمایتی اشاره می‌شود:

**حمایت سیاسی:** شرایط جنبش‌ها و نهضت با توجه به تغییر شرایط حکومت‌ها، منطقه و خود جنبش‌ها، امری غیر ثابت و متغیر می‌باشد. این شرایط، لزوم طراحی و اتخاذ تدابیر سیاسی منطبق بر شرایط جدید و رو به جلو را نشان می‌دهد. حضور سیاسی و رو به رشد در این فضا، نیازمند بهره‌گیری از حمایت‌های سیاسی و تشکیلاتی منسجمی است که بتواند با اهرم قدرت سیاسی حرکت جنبش‌ها را توسعه دهد. راهبردهایی مانند: پشتیبانی در شکل‌گیری، سازماندهی و کادر سازی سیاسی - توانمندسازی دانش سیاسی رهبران و اعضا - تدوین راهبردها در دستیابی به اهداف - حمایت‌های سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی - ایجاد همکاری و ائتلاف جریان‌های همسو (سلیمانی و اسماعیل‌زاده، ۲۰۲۰: ۱۲۰).

**حمایت نظامی و اطلاعاتی:** یکی از اثر گذارترین حمایت‌ها از یک جنبش، پشتیبانی نظامی می‌باشد. هر چند بر اساس قوانین سازمان ملل هیچ منعی برای حمایت نظامی از جنبش‌های آزادی بخش وجود ندارد؛ ولی این پشتیبانی نظامی از جنبش‌ها برای کشور حامی دارای بار سیاسی و امنیتی از سوی کشوری که جنبش‌ها در آنجا فعال هستند و کشورهای مخالف منطقه‌ای و بین‌المللی، بوده است (همان، ۱۳۹۱). بررسی اقدامات نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران بی‌توجه به مخالفت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، عملکرد خیره کننده و شجاعانه‌ای در این مقوله داشته است. از مصادیق بارز این حمایت، تبدیل گروه‌های تازه تشکیل یافته حزب الله و حماس به قدرت‌های نظامی منطقه‌ای است، به نحوی که حملات و اقدامات متعدد رژیم صهیونیستی، به اعتراف ناظران بین‌المللی، نتوانسته است منجر به نابودی این جنبش‌ها شود.

بهره‌مندی از اطلاعات صحیح در صحنه سیاسی و نظامی از ضروریات اقدامات جنبش‌ها می‌باشد. امکان برنامه‌ریزی صحیح عملیاتی و تقلیل در آسیب‌ها از منافع اساسی دسترسی به اطلاعات می‌باشد. حمایت اطلاعاتی نه تنها در ابعاد نظامی بلکه در سایر سطوح بسیار راهگشاست؛ مانند داشتن اطلاعات از جریانات رقیب، وضعیت منطقه، وضعیت دشمن، تحرکات بین‌المللی و... (حقیقت‌پور، ۲۰۰۴: ۳۵).

**حمایت فرهنگی:** یکی از راهبردهای اساسی و تعیین کننده در مواجهه با جنبش‌ها و نهضت‌ها توجه به مسائل اعتقادی و فرهنگی آنها می‌باشد. جنبش‌هایی که مورد توجه افکار و اندیشه‌های نخبگان و عموم مردم قرار می‌گیرند، می‌توانند به سرعت مفاهیم و اهداف خود را در راستای همراه سازی مردم منتقل نمایند. اهتمام به مقوله فرهنگ و عقاید می‌تواند افراد و اعضا جنبش‌ها را در استواری و پیمودن مسیر مبارزه مستحکم‌تر نماید و عدم توجه به این مهم، امکان انحراف در مبانی اعتقادی، تضعیف عملکرد اعضا و خطر نابودی جنبش‌ها در پی دارد (سلیمانی و اسماعیل‌زاده، ۲۰۲۰: ۱۲۵).

برخی از حمایت‌های فرهنگی ایران: آموزش عقیدتی در سطوح مختلف - تدوین آموزش‌های فرهنگی و عقیدتی - اقناع سازی عمومی و نخبگانی در مورد جنبش‌ها - تربیت کادر عقیدتی و فرهنگی مورد نیاز جنبش‌ها - حمایت و توانمند سازی تبلیغی و رسانه‌ای - پشتیبانی ایدئولوژیک (حقیقت‌پور، ۲۰۰۴: ۵۱).

**حمایت اقتصادی:** تأمین نیازهای اقتصادی و پایداری منابع مالی می‌تواند کمک شایانی به طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌های دستیابی به اهداف نماید. توجه به این ضرورت از سوی حامیان جنبش‌ها اصل مهمی است که بایستی با در نظر گرفتن ضرورت‌های امنیتی و اقتصادی صحیح پیگیری شود. چرخه تأمین و

مصرف مسائل مالی در حوزه جنبش‌ها نیازمند فهم دقیق از پیوست اقتصادی در راهبردها و برنامه‌هاست و بی‌توجه به این مسئله می‌تواند تبعات منفی برای جنبش‌ها و حامیان آنها از منظر مخالفت‌های داخلی و بین‌المللی داشته باشد. آنچه مسلم است کشورهای حامی بایستی به هر میزان که امکانات و شرایط اجازه می‌دهد جنبش‌ها را در مسیر استقلال در تأمین منابع مالی کمک کنند. در این صورت جنبش‌ها از قطع منابع مالی حامیان خود دغدغه‌ای ندارند، از تغییر رویکرد سیاسی حامیان خود نگرانی ندارند، از استقلال رأی و اقدام مستقل برخوردارند و کشورهای حامی‌شان از تبعات فشارهای داخلی و بین‌المللی در امان هستند. در بررسی اقدامات ایران در این حوزه می‌توان اشاره نمود که اولاً ایران به‌عنوان پشتیبان اصلی و محوری جنبش‌ها و نهضت‌ها بایستی در این حوزه حضور و اقدامات اساسی صورت می‌داد، ثانیاً این پشتیبانی صرفاً در راستای حمایت و منافع جنبش‌ها نبوده است؛ بلکه با توجه به منافع دو سویه ایران و جنبش‌ها در حوزه‌های مختلف، -بالاخص در حوزه امنیتی و منطقه‌ای- هزینه‌ای در راستای منافع ملی خود بوده است، ثالثاً هزینه مصروفی ایران در این حوزه، حتی بر اساس آمار و ارقام نهادهای بین‌المللی و قدرت‌های جهانی، قابل قیاس با هزینه‌های قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای پیاده سازی اهداف شان نیست. البته در این باب ادله بسیار دیگری وجود دارد که در تحقیقات دیگر قابل بیان است. آنچه قابل مشاهده و اعتراف همگان است این که ایران توانسته است با اقدامات خود در این حوزه علاوه بر توانمندسازی جنبش‌ها و سوق دادن آنها در استقلال مالی در حد امکاناتشان، راهبردهای خود را در جهت اهداف حمایت‌های مالی به شکل صحیح به مرحله سرانجام برساند (منصوری، ۲۰۲۵: ۸۳).

### سه- ائتلاف سازی منطقه‌ای و بین‌المللی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، الگوی رویکرد انقلابی و ایستادگی در مقابل قدرت‌های سلطه‌گر منطقه‌ای و بین‌المللی به گفتمان غالب در میان مسلمانان و گروه‌های اسلامی در منطقه غرب آسیا مبدل شد. ایدئولوژی که به دلیل ماهیت دینی و ضداستکباری خود سبب اشتراک در منافع و اهداف بسیاری از حرکت‌ها، جنبش‌ها و نهضت‌های منطقه با جمهوری اسلامی ایران را فراهم نمود. همان‌گونه پیش‌تر مطرح شد، اهمیت بسیار منطقه غرب آسیا و گستردگی تحولات آن سبب دسته‌بندی میان دوستان و دشمنان جمهوری اسلامی در این منطقه شده است. دسته‌بندی‌هایی که با حضور قدرت‌های بین‌المللی شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌هایی را در پی داشته است.

قدرت‌های جهانی با تکیه بر اختلافات میان دولت‌ها و گروه‌های مختلف منطقه، که ریشه در اختلافات قومی، نژادی، مذهبی و هویتی دارد؛ اقدام به تشکیل ائتلاف‌هایی در جهت اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی خود نموده است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی با تکیه بر ریشه‌های قومی، مذهبی، جغرافیایی و اشتراک در منافع با دولت‌ها و گروه‌های همسو با خود، در جهت دستیابی به اهداف ملی، منطقه و بین‌المللی و مبارزه با اقدامات قدرت‌های بین‌المللی در منطقه، به دنبال شکل دادن ائتلاف‌هایی بوده است. ائتلافی که در قدرت‌یابی ایران و دولت‌ها و جنبش‌های همراهش نقش بسیار برجسته‌ای داشته است (همان: ۸۸).

به عنوان نمونه در این ائتلاف سازی به موقعیت منحصر به فرد لبنان از منظر نزدیکی جغرافیایی به رژیم صهیونیستی و فلسطین، و رویارویی حزب الله لبنان در مقابله با اهداف اسرائیل در فلسطین، لبنان و سراسر منطقه به عنوان خاکریز مقدم و مستحکم اشاره می شود: حضور و قدرت حزب الله نه تنها یک مسیر و پشتیبان برای حمایت از گروه ها و جنبش های فلسطینی بوده است بلکه عملاً رژیم صهیونیستی را فاقد عمق استراتژیک کرده است. فعالیت های جنبش های آزادی بخش در فلسطین قدرت بازدارندگی و تهاجمی اسرائیل را تحت شعاع قرار داده است و در واقع اسرائیل با رویاهای بزرگ منطقه ای را درگیر به مبارزه با یک گروه کوچک کرده است (کیاچوری و اسلامی، ۲۰۲۲: ۱۵۷-۱۵۰).

حمایت ها از سوریه در جنگ با تکفیری ها، حضور ایران در سوریه و ایجاد یک جبهه نزدیک و قدرتمند در مقابل با سیاست های آمریکا، غرب و رژیم صهیونیستی را در پی داشت. قدرت گیری جنبش ها و گروه های شیعه در عراق پس از صدام و در مقابله با داعش، ائتلاف ایران و همسویانش را بیش از پیش قدرتمندتر نمود. هم پیمانی و حمایت های ایران از انصارالله یمن، قدرت نمایی این ائتلاف را در تسلط بر یکی از راهبردی ترین تنگه های جهان -تنگه باب المندب- و ایجاد بازدارندگی و موازنه در مقابل قدرت های منطقه ای و بین المللی بوده است (همان).

### ایران، طوفان الاقصی و گروه های مقاومت در منطقه

در مورد شرایط ایران و جریان های همسو با ایران در تحولات دو سال اخیر در منطقه پس از عملیات طوفان الاقصی در اکتبر ۲۰۲۳، لازم است بیان شود؛ اولاً مقصود ما در این پژوهش بررسی راهبردها و سیاست های کلان حمایتی ایران در طی حدود نیم قرن می باشد و حوادث و جنگ های اخیر هر چند در طول دهه های اخیر بی سابقه بوده است ولی در بررسی راهبرد، ضروری است حوادث، تحولات، موفقیت ها، شکست ها، نقاط ضعف و قوت را طی یک فرایند طولانی مدت مورد توجه قرار داد. ولی در عین حال از تحولات و حوادث روز و علل ایجاد آنها و پیامدهای آن نیز اصلاً نباید غفلت نمود. ثانیاً یکی از نکات مورد غفلت در بررسی تحولات اخیر، عدم توجه در تست به آینده این گروه و نهضت ها بوده است. بدین معنا که هر جریان و جنبشی که مورد صدمه و رو به ضعف قرار گرفت و یا تغییر تاکتیک و استراتژی داد، نابود شده تلقی شد؛ در صورتی که این تصور برآمده از عدم شناخت دقیق ساختار و پشته های مردمی این گروه هاست که ریشه در حمایت های مردمی دارد. و از طرفی دیگر نشان از عدم آگاهی کامل از نحوه ساختار سازی مستحکم این گروه ها توسط ایران دارد که چگونه توانایی بازتولید قدرت در ایجاد یک چرخه رفع نقاط ضعف و تبدیل تهدید به فرصت را دارد.

ثالثاً عملکرد این جریانات در تحولات و جنگ های اخیر، صحت و درستی بسیاری از راهبردهای نظامی ایران در حمایت از این گروه ها نشان داد. به نحوی که پس از دو سال، صهیونیست ها به اذعان خود و حامیان خود، به رغم حمایت همه جانبه آمریکا و غرب، نه تنها به هیچ یک از اهداف ترسیم شده خود دست نیافتند، بلکه در برخی از استراتژی های کلان خود دچار ضعف اساسی شدند. مانند: مخالفت گسترده جهانی با

صهیونیست‌ها که به معنای از دست رفتن لایه‌های مختلف سیاسی و فرهنگی و بین‌المللی این رژیم در دنیا شده است. از دست رفتن تصور شکست‌ناپذیری آنها در اذهان مردم منطقه و جهان در نبرد با ایران و گروه‌های مقاومت. رابعاً عملکرد اعجاب‌انگیز و وحشیانه صهیونیست‌ها در کشتار مردم و تمایل آنان به گسترش درگیری به سایر نقاط منطقه در جهت اهداف «اسرائیل بزرگ»، اثبات‌کننده بسیاری از دلایل حمایت، و سیاست‌ها و راهبردهای ایران در منطقه بود. البته آنچه روشن است اینکه در این باره نکات بسیار دیگری وجود دارد که در سایر تحقیقات ضروری است به آن توجه شود.

### نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر آموزه‌های دینی، آرمان‌های انقلاب اسلامی و هدایت رهبران خود، حمایت از نهضت‌ها و جنبش‌های اسلامی و آزادی‌بخش را به‌عنوان اصلی مهم در قانون اساسی و سیاست خارجی خود تعریف نموده است. با توجه به اهمیت فراوان منطقه غرب آسیا و جایگاه برجسته ایران و سیاست‌های آن در مناسبات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و نقش این گروه‌ها در این منطقه، بررسی سیاست‌های حمایتی اعمال شده در طول این چند دهه ضروری می‌باشد. تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی سبب شکل‌گیری اختلافات و یا اتحادهایی در این منطقه گردید. ایران با درک صحیح این مسائل، تلاش نمود با حمایت از این جنبش‌ها و نهضت‌ها، سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود را دنبال کند.

سیاست‌های ایران در منطقه از دو منظر و نظریه قابل بررسی است. براساس شاخصه‌های رئالیسم تدافعی، سیاست ایران در حمایت از نیروهای همگرا در منطقه، یک پاسخ منطقی و تدافعی به تهدیدات قدرت‌های بزرگ و رقبای منطقه‌ای است. ایران با ایجاد «عمق استراتژیک» و هزینه‌ای کمتر، تهدیدات را بدور از مرزهای خود و بدون درگیری مستقیم مدیریت کرد. همچنین بر اساس نظریه امنیت منطقه‌ای، سیاست‌های حمایتی ایران، به منظور تقویت نظریه امنیت درون‌زا و ایجاد عمق راهبردی در برابر تهدیدات طراحی شده‌اند. ایران از طریق حمایت از این جنبش‌ها و نهضت و ایجاد ائتلاف، اهداف مشترکی را در منطقه دنبال می‌کنند. از جمله: مهار اسرائیل، مقابله با تروریسم تکفیری، کاهش نفوذ آمریکا.

ایران برای پیگیری سیاست‌های حمایتی خود می‌بایست علاوه بر برنامه‌ریزی و نقشه راهبردی، بر اساس شرایط تحمیلی از سوی مخالفان در منطقه و ایجاد بحران‌ها مختلف، و حفظ امنیت ملی و قدرت منطقه‌ای خود، اقداماتی انجام می‌داد و سیاست‌ها و اقدامات را متناسب با شرایط و اقتضائات پیش آمده پی‌ریزی می‌کرد. بررسی اقدامات ایران نشان می‌دهد توانسته است از دل این شرایط و بحران‌های تحمیلی، علاوه بر عملکرد متناسب با اقتضائات، راهبردهای کلان را پیش برد. ایجاد و قدرت‌گیری حزب الله پس از حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲، حمله آمریکا به عراق و حمله داعش به عراق و شکل‌گیری و قدرت‌گیری حشد الشعبی از این موارد بود که مورد بررسی قرار گرفت.

قسم دیگری از اقدامات ایران در مواجهه و حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش متکی به راهبردهای از پیش برنامه‌ریزی شده می‌باشد که در سه دسته بررسی شد: یک- تثبیت بقاء و پایدار سازی فعالیت جنبش‌ها

و نهضت‌ها. دو- چند وجهی کردن فعالیت‌های جنبش‌ها در حوزه‌های گوناگون سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی و... سه- ائتلاف سازی منطقه‌ای و بین‌المللی، با تکیه بر اشتراکات مذهبی، قومی، جغرافیایی و منافع مشترک منطقه‌ای.

در پایان پیشنهاد می‌شود از آنجایی که بررسی، اصلاح و به روز رسانی راهبردها و سیاست‌ها یک اصل بسیار مهم و حیاتی در سیاست خارجی هر کشور است، جمهوری اسلامی ایران نیز بایستی با بررسی دقیق اقدامات صورت گرفته در طول چند دهه و استخراج میزان موفقیت و عدم موفقیت راهبردها و سیاست‌ها، اصلاح و به‌روزرسانی راهبردها و سیاست‌ها در این حوزه را به جد دنبال نماید. راهبردهایی که هم متکی به چشم‌اندازهای قابل پیش‌بینی باشند، هم بر اساس تجربیات کسب شده در بحران‌های تحمیلی، پیش برنده راهبردهای کلان باشد.

## References

- Alinaghi, Amirali (2002). "The Place of Security in National Strategy", Strategic Studies Quarterly, No. 16. (In Persian)
- Asadi, Ali Akbar (2014). "Iran and the United States in Iraq: Diversity of Actions", Foreign Relations Quarterly, Vol. 6, No. 4. (In Persian)
- Asadollahi, Masoud (2000). *From Resistance to Victory (History of Hezbollah of Lebanon)*, Tehran: Andisheh Sazan-e Noor Research Institute. (In Persian)
- Bagheri, Mohsen and Others (2023). "Factors and Contexts of the Emergence and Strengthening of Hezbollah in Lebanon in the 1980s with Emphasis on Iran's Role", Vol. 12, No. 2, summer 2023. (In Persian)
- Barzegar, Keyhan (2009). "Iran's Foreign Policy through the Lens of Defensive and Offensive Realism", International Quarterly of Foreign Relations, Vol. 1, No. 1, Spring: 125. (In Persian)
- Baylis, John and Others (1990). *Contemporary Strategy, Translation: Houshang Mirfakhrai, Tehran: International Political Studies Office. (In Persian)*
- Buzan, Barry; Waever, Ole (2009). *Region and powers, translate by Rahman ghahramanpoor, Tehran: Institute for Strategic Studies.*
- Coleini Razi, Mohammad (2008). *Usul al-Kafi*, Tehran: Elmiyeh Islamiyyeh Publishing, Heydari Edition. (In Persian)
- Danaeefar, Hassan and Soltani, Alireza (2021). "Contingency Policy-Making Approach in Iran's Developmental Economic Planning in the 1980s (1979–1988)", Interdisciplinary Studies in Strategic Knowledge, Vol. 11, No. 43, Summer. (In Persian)
- Esmaeili, Gholam Heydar and Ragavi, Javad (2021). "Palestine, Liberation Movements and Cyberspace", Journal of Religious-Intellectual Currents in the International Arena, Vol. 3, No. 6. (In Persian)

- Gandomkar, Abolfazl (2016). “Liberation Movements and Their Recognized Rights in the International System”, Journal of Islamic Revolution Studies, No. 2, winter 2016. (In Persian)
- Ghafari Heshajin, Zahed and Others (2021). “Future Scenarios of the Axis of Resistance Based on Critical Uncertainties”, Islamic Revolution Research Quarterly, Vol. 11, No. 41, winter 2021. (In Persian)
- Group of Researchers of Andisheh Sazan-e Noor Institute (2013). *The Foundations of the Movement Doctrine from the View of Imam Khomeini and the Supreme Leader*, Tehran: Andisheh Sazan-e Noor Institute Publications. (In Persian)
- Habibzadeh Maleki, Ashab (2004). “Strategic Management of Public Relations”, Honar-e Hashtom, Vol. 5, No. 3. (In Persian)
- Haghani, Hamed (2006). *One Lebanon, One Israel Claim: A Study of Israel’s War against Lebanon and Its Consequences*, Qom: Basirat Cultural-Scientific Center. (In Persian)
- Hajar, Sami (2011). “The Expansion of Hezbollah”, in *Hezbollah of Lebanon: Politics, Power and Authority*, Tehran: Strategic Studies Research Institute. (In Persian)
- Haqiqat-Pour, Mansour (2004). *Mechanism of Supporting Movements*, Tehran: Naqsa Training Center. (In Persian)
- Imam Khomeini, Ruhollah (1994). *Sahifeh-ye Imam Khomeini*, Tehran: Islamic Revolution Cultural Documentation Center.
- Kiakojuri, Kianoush and Eslami, Almas (2022). “Coalition-Building in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: From the Sacred Defense to the Axis of Resistance”, *Sacred Defense Studies Quarterly*, Vol. 8, No. 30, summer 2022. (In Persian)
- Makarem Shirazi, Naser (1995). *Tafsir-e Nemouneh*, Vol. 4, Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyya. (In Persian)
- Mansouri, Heydar (2025). *Strategic Model of the Islamic Republic of Iran’s Support for Liberation Movements*, PhD Dissertation, Allameh Tabataba’i University. (In Persian)
- Marsh and Stoker (2005). *Method and Theory in Political Science*, Translation: Haji Yousefi, Tehran: Strategic Studies Research Institute.
- Mashirzadeh, Homeira (2005). *Transformation in International Relations Theories*, Tehran: SAMT. (In Persian)
- Meraji, Ebrahim and Dehshiri, Mohammad Reza (2020). “The Islamic Revolution of Iran from the Perspective of U.S. Regional Interests”, *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World Quarterly*, No. 4, winter 2020. (In Persian)
- Nourmohammadi, Morteza and Fasihi Dolatshahi, Mohammad Aref (2018). “Applying Regional Security Complex Theory in the Analysis of Issues and Relations Patterns in South Asia”, *Political and International Approaches Quarterly*, Vol. 10, No. 56. (In Persian)
- Nozani, Bahram and Ebadi, Zahra (2017). “Examining the Impact of Iran’s Soft Power on U.S. Strategic Interests in New Iraq”, *Biannual Journal of Politics and International Relations*, Vol. 1, No. 1. (In Persian)
- Nye, Joseph (2003). *U.S Power and Strategy after Iraq*, *Foreign Affairs*, July/August 2003.
- Qaderi Kangavari, Rouhollah (2020). “Movement Diplomacy and the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran: Roadmap and Future Issues”, No. 48, autumn 2020. (In Persian)

- 
- Rostami, Farzad and Colleagues (2019). “Analysis of Iran’s Opportunities in Post-Saddam Iraq Based on the U.S. Behavioral Model in Crisis Management”, Islamic Politics Research Journal, Vol. 7, No. 15. (In Persian)
  - Safarnejad, Dariush (2020). *Presenting a Strategic Model for Supporting Islamic Movements Based on the Discourse of Velayat-e Faqih, the Constitution, and Human Experience*, PhD Dissertation, National Defense University. (In Persian)
  - Sobhani-Far, Mohammad Javad (2010). *Mechanism of Supporting Irregular Forces*, Tehran: Textbook Compilation Center of IRGC Training and Education. (In Persian)
  - Soleimani, Bagher and Esmailzadeh, Ali (2020). “The Necessity and Method of Supporting Liberation Movements and the Axis of Resistance Based on the Thought of the Two Leaders of the Islamic Revolution”, Biannual Journal of Training the Defenders of the Islamic Revolution – Imam Hossein University, Vol. 9, No. 19. (In Persian)
  - Tabatabaei, Seyed Ali (2011). “Comparative Analysis of the Approaches of China, Russia, the U.S., India, Pakistan, and Iran toward the Shanghai Cooperation Organization”, Rahbord Journal, No. 60, autumn 2011. (In Persian)
  - Wright, Robin (1993). *The Shiites: Warriors of God*, Translation: Ali Andisheh, Tehran: Toos, Second Edition.